

چگونگی رشد شتابان اسلام در عصر پیامبر(ص)

مترجم کتاب «نخستین بهار» ضمن معرفی محتوای کتاب و برداشت نویسنده از سیره پیامبر(ص) گفت:



مترجم کتاب «نخستین بهار» ضمن معرفی محتوای کتاب و برداشت نویسنده از سیره پیامبر(ص) گفت: به باور نویسنده رشد شتابان اسلام در عصر پیامبر(ص)، نه با برق شمشیر بود و نه در سایه ثروت، بلکه درایت، دوراندیشی و محاسبات سنجیده حضرت محمد(ص) بسان یک رهبر کاردان و خوش فکر زمینه ساز گسترش و نفوذ این آیین در دل های مردم شد.

کتاب «نخستین بهار» مانند دیگر کتاب های سیره، بازتاب برداشت های شخصی نویسنده از دوران حیات پیامبر(ص) تا فتح مکه است که آن را اوج پیروزی آن حضرت در یک روند بیست و یک ساله و مهم ترین شاهد بر درستی سیاست های راهبردی پیامبر(ص) می داند. وضاح خنفر؛ مولف کتاب دانش آموخته رشته روابط بین الملل و از مدیران سابق شبکه خبری الجزیره، در این اثر با استفاده از منابع تاریخ اسلام و پاره ای از مآخذ بیژانسی، حمیری و حبشی، برخی از رخدادها عصر پیامبر(ص) را به هم پیوند داده و کوشیده است تا با رشته ای استوار، همه آنها را برای نیل به یک هدف بزرگ سیاسی، یعنی فتح مکه، ارزیابی کند.

برای آشنایی بیشتر با این اثر با محمدرضا مروارید، مترجم کتاب گفت وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می خوانید؛

ایکنا - در مورد ایده اصلی کتاب «نخستین بهار» توضیح بفرمایید. نویسنده در این کتاب با چه رویکرد و با چه انگیزه ای به بررسی سیره پیامبر(ص) پرداخته است؟

بنده فقط به عنوان مترجم اظهارنظر می کنم و کوشیده ام تا ایده نویسنده و برداشت های خاص او از سیره پیامبر(ص) را به فارسی برگردانم و چون نویسنده، کتاب را با زبان سیاسی و بعضاً رسانه ای روز نوشته، سعی کرده ام آن را با همین ادبیات برای فارسی زبانان خواندنی کنم؛ زبان و ادبیاتی که گویای ایده اصلی پیدایش این کتاب است و پرسش شما هم در همین باره بود.

دکتر وضاح خنفر با ده ها سال سابقه مطالعات بین المللی و فعالیت رسانه ای، با این ایده به سیره پیامبر(ص) پرداخته که رفتارهای آن حضرت را از نگاهی راهبردی بررسی کند و به تحلیل زمینه و بستر کنش های استراتژیک پیامبر بپردازد. او خودش در جایی گفته است که قصدش از نوشتن این کتاب، نه افزودن یک کتاب سیره دیگر به ده ها بلکه سیره مکتوب نبوی، بلکه نگارش کتابی در باب سیره و با خوانشی خاص بوده است. او نمی خواهد یک یک حوادث و رخدادها دوره پیدایش اسلام را ردیف کند و مانند بسیاری از سیره نویسان از اوضاع عربستان پیش از اسلام بگوید و همه اتفاقات منقول در منابع تاریخی را سال به سال تا زمان رحلت حضرت ختمی مرتب پی بگیرد. رویکرد اصلی او یک نگاه کلان و در حقیقت ارائه یک تصویر هوایی گسترده از جهان آن روز و تبیین و تشریح مناسبات و ارتباطات میان ملت ها و دولت ها است و در پرتو همین نگاه، ابتدا به عربستان، قبایل ساکن در آن منطقه، و به خصوص قریش و چگونگی برآمدن آن تا رأس حاکمیت مکه می پردازد و به عنوان مثال، نشان می دهد که اگر راه های ارتباطی شرق و غرب به دو راه خاکی و یک راه دریایی محدود بوده و مسیر دریایی از جنوب ایران به دریای سرخ می رسیده، نوآوری و ابتکار سران قریش این بوده است که ناامنی راه های خاکی موسوم به جاده ابریشم از دل سرزمین پارس بر اثر درگیری مداوم با روم، و بحران های حاکم بر مسیر دریای سرخ را فرصتی برای خود بدانند و با گشودن راهی خاکی از یمن تا مکه و از آنجا تا شام، گشایش اقتصادی مکه را فراهم کنند و با اجرای طرحی با نام ایلاف، و به خدمت گرفتن اقتصاد برای سیاست، مکه را که تا پیش از آن شهری ناشناخته بود، به قطب تجارت جهان آن روز و کانونی برای رفت و آمدهای اقتصادی بدل سازند، و با راه انداختن برنامه های هنری، بر جذابیت های آن بیفزایند.

نویسنده همین رویکرد را نسبت به مهم ترین اتفاقات عصر پیامبر هم دارد و اگر ماجرای تلاش حضرت برای رفتن به طائف را نقل می کند یا به موضوع هجرت برخی از اصحاب به حبشه می پردازد یا چرایی انتخاب یثرب به عنوان مقصد نهایی هجرت پیامبر(ص) را پیش می کشد، همه این رخدادها را حلقه های متعدد یک زنجیره می داند و هوشمندی و دقت پیامبر در اتخاذ هر یک از این تصمیم ها در پرتو شرایط خاص را بیان می کند.

او با بهره گیری از داده های فراوان اما پراکنده در میان منابع مطالعاتی سیره پیامبر، کوشیده است تا رشته ارتباط این حوادث را بیابد و نحوه مواجهه پیامبر با آنها را تحلیل کند. خنفر در مقدمه کتابش به ما یادآوری می کند که این منابع منحصر به کتاب های عربی نیست، بلکه همه مستندات دستیاب در مناطق یمن و حبشه و فارس و روم شرقی را بررسی کرده و سنگ نوشته ها و الواح را هم نادیده نگرفته است.

او در جایی گفته است که اگر خواسته باشم مثل یک خبرنگار امروزی، گزارش جنگ بدر و موضع گیری های پیامبر را به یک رسانه جهانی ارسال کنم، باید بیننده و خواننده را به چه نکاتی توجه دهم؟ در این کتاب هم موازنه قوای بین المللی، چالش های منطقه ای، رقابت های داخلی، و در کنار همه اینها توجه به هدف نهایی را مدنظر داشته ام و بر پایه همان حوادث به تحلیل رخدادهای پرداخته ام.

روشن است که در این مسیر، تنها حوادث بزرگ و تأثیرگذار مورد توجه نویسنده بوده و اگر به رخداد کوچکی هم توجه نشان داده، آن را در کلان ماجرا دیده و تأثیر گسترده آن در روند حوادث را در نظر داشته است.

این خوانش نویسنده از سیره نبوی با همه نوشته های پیشین در این زمینه تفاوت دارد و بر آن است تا نشان دهد که رشد شتابان اسلام در عصر پیامبر(ص)، نه با برق شمشیر بوده و نه در سایه ثروت، بلکه درایت و دوراندیشی و محاسبات سنجیده حضرت محمد(ص) به سان یک رهبر کاردان و خوش فکر زمینه ساز گسترش و نفوذ این آیین در دل های مردم شده است.

ر

ایکنا - فصل بندی مطالب بر چه اساس است و مولف چه نوآوری هایی در کتاب داشته است؟

نقطه اوج ماجرای سیاسی پیامبر(ص) از نظر نویسنده، فتح مکه است. او اعتقاد دارد که حضرت با ورود مسالمت آمیز و فاتحانه به این شهر خط بطلانی بر دوران جاهلیت و حاکمیت قریش مکه کشید و از آن پس دیگر جایی برای جلوه گری بازیگران اصلی قریش کهنه نماند؛ از همین رو، کتاب را با تصویری دراماتیک از حضور پیامبر در آستانه مکه شروع می کند و آن را که فرجام برنامه سیاسی پیامبر برای درهم شکستن هیمنه قریش مکه می داند، با عنوان «پرده آخر» می نامد. اما پس از آن، با ارائه یک پیش گفتار و یک درآمد، با هدف ترسیم انگیزه ها و اهداف و رویکرد خود در کتاب، نقشه مطالعاتی خود را در بیست فصل می گشاید؛ از موقعیت جغرافیایی مکه و همان طور که گفتم، از جایگاه جهانی آن در کریدور بین المللی می گوید، پس از آن، از سرزمین ایران و روم و پادشاهی های حیره و غسانیان و اکسوم یا حبشه نام می برد و هر یک را بر اساس داده های موجود تحلیل می کند، دوباره به مکه برمی گردد و مناسبات و ائتلاف ها و اختلاف ها و چالش های میان قبیله ای را ترسیم می کند.

در فصل پنجم به ماجرای بعثت و آغاز رویارویی پیامبر اسلام با ساختار پیر و فرسوده حاکمان مکه می پردازد و پس از آن، گزینه های پیامبر برای انتخاب مقصد هجرت را بررسی می کند.

شکل گیری ایلاف مدینه در برابر ایلاف مکه، موضوع فصل هفتم است و آن گاه به جنگ های بدر و احد و خندق می پردازد و در پی همه اینها، روی کار آمدن مثلث رهبری جوان مکه را پیش می کشد و در کنار آن، به رفتار حکیمانه پیامبر در مذاکره با سران مکه اشاره می کند که زمینه ساز صلح حدیبیه به عنوان پیش درآمدی برای فتح مکه است.

نویسنده مهم ترین حرف های خودش را که برخی از نوآوری های او را نشان می دهد در فصل بیستم بر قلم جاری می کند و در آنجا با ذکر این نکته که کوشش ما در تمرکز بر ابعاد سیاسی و استراتژیک سیره نبوی، نه برای آن است که در گذشته زیبا باقی بمانیم و نه برای آنکه کنش ها و مواضع کنونی خود را مقدس بپنداریم، اضافه می کند که با این کار، در صدد ایجاد یک روشن مندی معرفتی و رسیدن به سیستم پیشرفته ای هستیم که ما را در پی ریزی رهیافت سیاسی و استراتژیک تازه ای از وضعیت معاصر یاری دهد.

ایکنا- چگونه می توان از سیره سیاسی پیامبر(ص) برای حل مشکلات امروز بهره برد؟

اتفاقاً نویسنده این کتاب را برای همین منظور نوشته و دغدغه اصلی اش از پرداختن به سیره نبوی و خوانش راهبردی آن همین بوده است که مسلمان امروز در پرتو آن راهی برای رهایی خود پیدا کند. او با تأکید بر نیاز مسلمان امروز به آشنایی با سیره، شرایط کنونی را پریشان و تاروپود معرفت شناختی و بنیان های اجتماعی و سنجه های اخلاقی را از هم گسیخته و توان مسلمانان در مواجهه با وضعیت موجود را مورد تهاجم می داند و معتقد است که اجرای هر برنامه ای برای چیره شدن بر این وضعیت، به یک پشتوانه معرفتی، یک آرمان بلند، و یک سیستم هماهنگ نیاز دارد و اینها همان چیزهایی است که این کتاب، در پرتو مطالعه کنش های سیاسی و راهبردی پیامبر، به آنها پرداخته است.

شکوفای کردن استعداد های صحابه جوان، حاکمیت دادن به مردم در قالب شورا، پرهیز از رویارویی مستقیم نظامی با دشمن مقتدر قبل از عملیات فرسایشی، جایگزینی «کشمکش» مثبت و سازنده به جای «ستیز» که فرایندی از جنس بازی با نتیجه صفر

است، موقعیت سنجی مناسب برای هر کنش، توجه به دوگانه اراده الهی و مسئولیت بشری در امور سیاسی و استراتژیک جامعه و نهایتاً زنده کردن عنصر ایمان در جان افراد جامعه... از جمله درس هایی است که براساس این کتاب می توان از سیره گرفت و آن را برای بهبود اوضاع جوامع کنونی و چیره شدن بر بحران های زیست در جهان معاصر به کار بست.

ایکنا- اساساً بازخوانی و روزآمدسازی سیره پیامبر(ص) و دیگر معصومین در روزگار ما با چه موانع و حساسیت هایی روبرو است تا دچار مصادره به مطلوب در این زمینه نشویم؟

دکتر خنفر در جایی از فصل بیستم به این نکته مهم اشاره می کند که باید رابطه خودمان با تاریخ را بازسازی کنیم. اگر فکر می کنیم که با ماندن در بستر تاریخ، هرچند زیبا و دلنشین باشد، می توانیم به پیشرفت برسیم ره به خطا برده ایم. ماندن در تاریخ و درک نکردن نقش سازنده آن و بالیدن به افتخارات گذشته، هم ستم در حق تاریخ است و هم به ویرانی کشیدن آینده.

اما این ساماندهی طبعاً کار ساده ای نیست. هر کسی با روش و ایده ای خاص به سیره می نگرد و همان طور که دکتر طریف خالیدی در فصل آخر کتابش «زیستن با کتاب» گفته است: گرچه در ابتدا این تصور پیش می آید که سیره نبوی امر ثابتی است که از دیرباز تغییری در آن حاصل نشده، اما دیری نمی پاید که این نظریه برای محققان ژرف اندیش به سرعت رنگ می بازد و روشن می شود که نسل های پیاپی هر یک سیره نبوی را همسو با اهداف و آرمان های خود به نگارش درآورده اند و هر کدامشان تنها یک بُعد از زندگی پیامبر را در نظر داشته اند.

همین یک جانبه نگری و توجه به تنها یک زمینه و یک بُعد از زندگی شخصیت ها، بزرگ ترین مانع برای دستیابی به سیمای واقعی آنهاست؛ امری که سبب می شود بسیاری از جنبه های دیگر زندگی آن افراد ناشناخته و ناگفته بماند.

شاید دکتر وضاح خنفر با استفاده از همین تجربه، به تألیف این کتاب پرداخته و با نگاه کلی به یکی از ابعاد زندگی پیامبر(ص)، به درس هایی که در آن زمینه می توان گرفت، توجه نشان داده است.